



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز پنجشنبه (۳۰) بهمن ماه ۱۳۰۴

فهرست مطالب :

۲- ادامه مذاکره در گزارش یک شوری کمیسیون

بودجه راجع به بودجه سال ۱۳۰۵ کل کشور .

۳- تعیین دستور و موقع جلسه آینده - ختم جلسه .

۱- قرائت اساسی غائبین جلسه قبل .

مجلس ساعت سه بعد ظهر بریاست آقای عبداللہ ریاضی تشکیل گردید

۱- قرائت اساسی غائبین جلسه قبل

رئیس - اساسی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

(بشرح زیر خوانده شد)

آقایان : حاتمی - جباری - دهقان نژاد - رئیسی

اردکانی - رحیمی لاریجانی - سیفی - شادمان -

صحرائی - غلامرضا غضنفری - قوامی - میرانشاری -

واحدی - نودرصادقی - سایمانی سوادکوهی - اسکندری -

ساگینیان - ذوالفقاری - مافی - بانو بیرومند - بانو

سلیلی - بانو ضرابی .

۲- ادامه مذاکره در گزارش یک شوری کمیسیون بودجه

راجع به بودجه سال ۱۳۰۵ کل کشور

رئیس - وارد دستور میشود ، کلیات لایحه بودجه

سال ۱۳۰۵ کل کشور مطرح است آقای دکتر چهرازی

تشریف بیاورید .

دکتر چهرازی - آقای رئیس همکاران محترم ،

وزراء محترم قبلا از همکار ارجمند آقای واحدی که

نوبت خود را به من واگذار کردند متشکرم در جلسه قبل

از ظهر درباره فلسفه نظام شاهنشاهی لزوم همپستی

نمایندگان مجلس شورای ملی ، بررسی مسائل آرزنده

آینده نگری و گذشته نگری ، خدمات دولت و رعایت حقوق

حقوق قانونی مردم و احتراز از تبعیض و توصیه در دستگاههای اجرایی

صرفه جویی در اعتبارات و صرفه جویی در مصرف مطالبی

عرضه داشتیم و به موضوع اشاعه اعتیاد به تریاک رسیدیم

که بالغ بر یکصد میلیون تومان اعتبار برای عمران و

نوسازی در بودجه پیش بینی شده و توضیحاتی درباره

کیفیت اعتیاد و معادین و علل آن عرضه داشتیم نظریه

ضیق وقت و بنابه پیشنهاد آقای رئیس که گفته اند

امشب جلسه تا ساعت ۱۲ تمام میشود و تعداد ۱۵ نفر

دیگر داوطلب صحبت هستند از بسیاری از مطالبی که در

جهان درد دنیا در امر اعتیاد بوجود آمد و در ایران بوجود

آمد و توسعه پیدا کرد صحبت می کنم ، از شرح تاریخچه

اعتیاد که در ایران پیدا شد و انتشار پیدا کرد صرف نظر

می کنم فقط توضیح میدهم که قبل از (۱۵۰) سال که در

آن وقت ما مواجه شدیم با استعمار که این استعمار موجبات

اشاعه تریاک را در ایران فراهم ساخت ، خواهیم گفت

مقصود چیست؟ عرض میکنم که استعمار یک کلمه ایست

ولی میتوان گفت استعمار مکانیسم و قوانینی دارد یک

دولت که مغلوب میشود به هیچ وجه یک ملتی مستعمره

نخواهد شد مگر این که قوانین استعمار درباره او اجرا شود

استعمار دارای قانون است اولین قانون دژنراسنس

یعنی زمانی ملتی ممکن است مستعمره واقع بشود که در

مرحله اول معتقدات ، عادات ، آداب و رسوم ، آنچه باعث

فضایل اخلاقی ، نیروی معنوی روانی و بدنی یک ملت

میشود و دستخوش فرار گیرد و به بی بندوباری افراد آن جامعه می انجامد و چنانچه می دانیم اعتبار به تریاک، شیره، از عوامل فرزندگی ملل تشخیص داده شده است و از پرتو تریاک است بزرگترین افرادی که از لحاظ اراده و نیروی بدنی قائم بذات هستند تدریجاً تسلیم میشوند و هر آنچه که به آنها تلقین بشود اجرا می کنند. در سال ۱۳۱۸ عجل حضرت فقید امریه مبارزه با تریاک فرمودند چون در آن موقع وضع تریاک بشکل آداب و رسوم درآمده بود ولی متأسفانه به سبب نداشتن بودجه و درآمدی که در حدود ۶ میلیون تومان در آن زمان عاید خزانه دولت می شد از این امر خبری نشد در سال ۱۳۲۳ انجمن ملی مبارزه با تریاک و انکل تشکیل گردید و آماری که در آن موقع از طرف انجمن معتادین ایران منتشر شد تعداد معتادین را در حدود ۱/۵ میلیون نفر برآورد کرد و میزان مصرف تریاک در سال بالغ بر ۱۰۰۰ تن بود کشف مزروعی خشخاش در ایران ۲۵ هزار هکتار بود و مصرف سالانه تریاک در شرفایب شدیم فرمودند مسئله تریاک از اهم مسائلی است که همیشه مورد نظر من بوده و بدولت دستور میدهم که موجبات رفع این بلیه را از ملت ایران فراهم کند در سال ۱۳۳۴ در مورد منع کشت خشخاش و بعد مبارزه با استعمال مواد قوانین اصولی به تصویب مجلسین رسید و سازمان مبارزه با تریاک بوجود آمد در ظرف ۳ سال تعداد معتادین از ۱/۵ میلیون نفر به ۲۰۰ هزار نفر تقلیل یافت در سراسر ایران مبارزه با قاچاق به شکل بی گیز و فوق العاده انجام شد و مبارزه بعد از ۲/۵ سال نتایج عالی داد بطوریکه کمیسیون سازمان ملل از دولت و ملت ایران تقدیر کرد. در سازمان ملل اظهار شد که این اولین مبارزه ای است ما می بینیم یک دولت با مفاسد و فساداتی که در تمام طبقات یک جامعه رخنه کرده است آغاز می کند و به نتیجه خوبی می رسد ما باید از دولت ایران سرمشق بگیریم متأسفانه در سال ۱۳۴۷ که قانون کشت محدود خشخاش به تصویب رسید سازمان متحل شد، تشکیلات بطور کلی پراکنده شد و اعتیاد زیر پرچم حمایت دولت قرار گرفت و قابل تأسف این است تنها نقطه سیاهی که میتوانیم بگوئیم در دولت جناب آقای هویدا مشاهده میشود و تنها موضوعی که بنظر من اهمیت دارد برنامه ای است که مورد توجه است قوانینی که در این مدت بوجود آمده است قوانینی در آن تاریخ گذشته است و چند قسمت آن را

برای شما می خوانم تا ببینید مصرف مواد افیونی در ماده ۲ جز برای، مصرف طبی و با مجوز طبی ممنوع است و مرتکبین مشمول حداکثر مجازات های مقرر در قوانین مربوط خواهند بود اجازه و شرایط مصرف مواد افیونی برای مصارف علمی و طبی جز با مجوز ممنوع است و بموجب آئین نامه اجرائی این قانون خواهد بود قانون چقدر سبب است می گویند مصرف مواد افیونی جز در موارد طبی ممنوع است اما متأسفانه در جای دیگر می گوید برای افرادی که سن آنها از ۶۰ سال متجاوز است یا به سبب کهولت پروانه خرید تریاک داده میشود تا اول ماه گذشته برای ۱۸۹۰۷۴ نفر کوپن خرید تریاک از طرف نواحی دولتی به مردم ایران داده شده از یک طرف به موجب قانون می خواهیم نیروی ملی را بتوانیم تقویت کنیم و شاهنشاه آریامهر توجه خاصی به این مسئله دارند که بچه از زمستانی که بوجود می آید تحت توجه از نظر بهبود تغذیه و سلامت بدن و روان قرار بگیرد از طرف دیگر دولت پروانه استعمال تریاک به مردم میدهد حق قانونی ۶۰ ساله است ولی ۲ پروانه ها در دست اشخاص کمتر از ۴ سال است به هیچ وجه من الوجوه کنترلی که این قانون گفته است در موقع دادن جواز رعایت بشود رعایت نشده است اگر مقرر شود که فردا دولت دستور بدهد پروانه هائی که به افراد کمتر از ۶۰ سال داده شده است ملغی است دو ثلث مصرف تریاک از بین میرود در آن زمان در سال ۱۳۳۴ اعتیاد جرم حساب میشد و تریاک کشی یک فساد بود متأسفانه حال در هر جمعی که بروید در خانه خصوصی یا عمومی و مجالس و مهمانی ها در کنار اوضاع و بساطی که ملاحظه میشود متقل و و افوزی هم هست و مخصوصاً اصرار هم می کنند که یک پکی بزیند غیبی ندارد (خنده نمایندگان) در این جا صحبت میشود که هر کس از وزارتخانه ها و مؤسسات انتفاعی و عام المنفعه و مؤسسات وابسته به شهرداریها و بطور کلی هر کس از وجوه عمومی و بودجه مملکتی بفر عنوان حقوق یا دستمزد یا حق حضور دریافت کند و معتاد به استعمال تریاک باشد در صورتیکه در ظرف مدت مقرر طبق آئین نامه اجرائی این قانون ترک اعتیاد نکند بدستور این سازمان یا مؤسسه مربوط حسب مورد منقصل یا اخراج خواهد شد. قانون می گوید اگر افرادی معتاد هستند بایستی ترک کنند کارگران در صورتی که اعتیاد داشته باشند

و معتاد به تریاک باشند، ظرف مدت مقرر در آئین نامه اجرائی این قانون از کار برکنار خواهند شد و از استفاده از مزایای قانون بیمه های اجتماعی محروم خواهند بود آياشده است ظرف این چندسال یک کارگزار کار به علت اعتیاد محروم بشود؟ نه. در مؤسسات آموزشی و علمی اعم از دولتی یا خصوصی بهر نحوی از انحاء افرادی که خدمت یا تحصیل می کنند بهر صورتی که معتاد به استعمال تریاک و مشتقات آن باشند و ظرف مدت مقرر در آئین نامه اجرائی قانون، ترك اعتیاد نکنند مدت و ترتیب اخراج آنها بموجب همین آئین نامه خواهد بود بازرگانان و صاحبان سرمایه در صورتی که معتاد به تریاک باشند و ظرف مدت مقرر در آئین نامه های اجرائی ترك اعتیاد نکنند از عضویت در اطاقهای بازرگانی و صنایع و معادن محروم خواهند شد. ملاحظه فرمائید حتی برای نماینده مجلس سنا و شورای ملی قانون پیش بینی کرده است. اما متأسفانه در ماده ۸ میگوید دولت مکلف است هر سال اعتبار خاصی برای درمان معتادین تریاک و مشتقات آن در بودجه سالانه منظور دارد البته باز جای دیگر قانون می گوید فقط کسانی که محکوم شده اند دولت موظف است آنها را بستری کند و ترکش بدهد نه کسیکه مشغول کار است و اعتیاد دارد. او را بپرید و بخواهید تا تریاکش را ترك کند و باز نکشد و از بودجه مملکتی که باید صرف تأمین آب مردم بشود برای هوی و عوس این قبیل جوانان مصرف بکنیم برای اینکه آن جوان بر میگردد در جامعه و وقتی شرایط او عوض شد مجدداً معتاد می شود و باز همان آش است و همان کاسه. ملاحظه فرمائید چند مورد دیگر است از همین قانون که همه مربوط به اعتیاد است برای معتادین تریاک و مشتقات آن که اگر سن آنها از ۶۰ سال متجاوز باشد و یا بعلت کهولت تا مدتی امکان ترك اعتیاد نباشد. به بنیاد قانون محدود است نمی گوید ۶ ساله ها همیشه بکشند و همیتطور سال بسال بآنها سهمیه بدهید این قانون در آن تاریخ برای ۶ ساله های آن موقع گذشته، ولی حالا هر کس به سن ۶ سال میرسد با کوپن میدهند. آماری که در حال حاضر ما داریم. سطح کشت خشخاش در سال ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ - ۱۵ هزار هکتار در سال پنجاه و یک و ۱۹۲۱۹ کیلو مصرف ماهیانه برای معتادین ایران است و سطح کشت خشخاش در سال گذشته ۲۰ هزار هکتار بوده است امسال ۲۲ هزار هکتار هر هکتاری حداقل ۳ کیلو تریاک میدهد محصولی که دولت می خرد ۱۵۰ تن است و بقیه در دست مردم است در حالی که محصول تریاک در سال بالغ بر

۶۰۰ تن است آنوقت صادرات که سابق بر این عامل برای کشت خشخاش بود وجود خارجی ندارد چرا؟ برای اینکه قیمت بین المللی تریاک ۲۰ تا ۲۵ دلار است یعنی اگر ما اسرحد خودمان بخواهیم تریاک بخریم کیلویی در حدود ۲۵ دلار است که اگر دلار را هفت تومان حساب کنیم میشود ۲۰۰ تومان و ما ۱۸۹ هزار کوپن داده ایم فرض فرمائید ۶۰۰ هزار نفر معتاد داریم مصرفی که در ایران میشود خارجی که برای جمع کردن این تریاک میشود هزینه ای که برای مبارزه با قاچاق میشود و پولی که برای درمان صورت میگیرد همه سربار هزینه دولت است. و بعهدہ جناب آقای دکتر شیخ الاسلام زاده که نامزد آینده وزارت تندرستی و رفاه هستند میباشد به نظر من کلمه تندرستی درست نیست و بهداشتی و بهداشت بمراتب بهتر است. تندرستی بودن شامل سه قسمت است سلامت تن سلامت روان و سلامت رفتار. اگر کسی وضع ظاهرش خوب باشد و روانش هم خوب باشد ولی در رفتار با مردم خوب نباشد آدم تندرستی نیست و انحصار دادن یک سازمان باین عرض و طول با این بودجه زیاد که در اختیار دارد و اختصاص این بودجه بسلامت تن صحیح نیست در بیمارستان یافت آباد برای هر معتاد که بستری میشود هزار تومان برای ۱۵ روز خرج بر میآورد و ما در حال حاضر دو بیمارستان صد تختخوانی یکی در ونک و یکی دریافت آباد داریم اگر بخواهیم معتادین را باین ترتیب ترک بدهیم در حالیکه ۶۰۰ هزار نفر معتاد داریم میدانید چند سال وقت لازم است که این معتادین نجات پیدا کنند در حالیکه دولت در سال ۱۳۴۴ روشی را اجرا کرد و داروی ترك اعتیاد را بقیمت ارزان در اختیار معتادین گذاشت بدون اینکه بستری شوند. هر معتاد از آن دازو استفاده کرد در سراسر کشور قرض هائی از طرف وزارت بهداشتی به قیمت مناسب بخش شد که معتاد از آن استفاده کرد و بکارش هم رسید. بنا بر این باید فقط معتاد بیمار بستری شود. راجع به موضوع اعتیاد بخاطر ضیق وقت بهین مختصر اکتفا میکنم. آخرین موضوع درباره تمدن بزرگ است که شاهنشاه آریامهر در سال پیش اعلام فرمودند آقای نخست وزیر چند مرتبه در بیاناتشان تأکید کردند ایا ما میدانیم تمدن بزرگ کجاست و چه راهی ما باید برویم تا به تمدن بزرگ برسیم. تصور میکنم در این مورد توضیحات کافی داده نشده. بنده سهم خودم فکر میکنم تمدن بزرگ مشتمل بر فضائل و شرایطی است از قبیل ایمان و عقیده

وقضائل انسانی. تمدن بزرگ لازم‌اش سلامت تن و روان و بهداشت کامل در سطح کشور برای فرد فرد رها خانواده است و همچنین تأمین مسکن برای همه ایجاد محیط زیست مطلوب. در تمدن بزرگ تعلیم و تربیت از مرحله کودکی کستان و دبستان تا مرحله دانشگاه ضرورت دارد شغل و کار شایسته برای هر فرد از خصوصیات تمدن بزرگ است و هزینه معقول عاری از اسراف از شرایط تمدن بزرگ است. در تمدن بزرگ سطح زندگی باید منزه باشد. روابط سالم با افراد و گروهها باید وجود داشته باشد. افرادی که تمدن بزرگ می‌خواهند داشته باشند بایستی واجد همکاری و حسن تفاهم باشند. در تمدن بزرگ محیط برای فساد و تعدی و تجاوز ناساعد است. بدیهی است صنعت، تکنیک کشاورزی، راه، برق، ساختمان، اوزان و اولیه برای نیل به هدف تمدن بزرگ می‌باشد، و بالاتر از همه بلوغ و تکامل روانی افراد است که در آن جامعه تمدن بزرگ می‌خواهند زندگی کنند. به همین منظور پیشنهاد میکنم تا کمیسیونی از نمایندگان مجلسین و دولت تشکیل بدهید و معلوم کنید که تمدن بزرگ چیست و ما کجا هستیم و کجا می‌خواهیم برویم و بجه وسیله، توفیق همگان را در راه خدمت شاهنشاه و میهن از خداوند مسئلت دارم (احسن - احسن).

رئیس - آقای نوربخش بفرمائید.

ناصر نوربخش دماوندی - جناب آقای رئیس همکاران معظم، اکنون که بحث در بودجه سال ۱۳۰۵ به نقطه پایان نزدیک میگردد هیئت محترم دولت و نمایندگان با صبورشکیبایی خاص تحمل این همه صحبت را کردند جای تشکر و سپاسگزاری را دارد (احسن).

همکاران عزیز از جهات گوناگون ارقام و فصول بودجه را مورد بررسی قرار دادند و در تمام قسمتهای آن مشروحاً داد سخن دادند برای من که نه قدرت بیان و نه استدلال قوی آنرا دارم مشکل است که بتوانم حتی نظر خود را در قالب الفاظ معمولی ارائه دهم بنابراین اگر نقص و قصور در عرایض حاصل شد بر من ببخشید من مطلقاً با ارقام بودجه به نحوی که تنظیم یافته سروکار ندارم زیرا تنظیم بودجه فن خاصی است و من چون قاضی بوده‌ام از فن آن بی‌بهره‌ام ولی چون بودجه بنظر من با اهمیت‌ترین لایحه ایست که دولت به مجلس تقدیم میدارد و امیدوارم در سال آتی دولت بودجه را زودتر تسلیم کند تا مجال رسیدگی بیشتر باشد لاجرم چون کلیه شئون اجتماعی کشور را در بر میگیرد بخود حق میدهم که عرایض خود را از زاویه دیگری بیان

دارم قبلاً باید بعرض برسانم ارقام بزرگ دخل و خرج و اعتباراتی که دفاع و امنیت و آموزش و سایر امور عمرانی ذکر گردیده در مقام مقایسه با سایر کشورهای جهان غرور آمیز است ولی بشرحی که معروض گردید کاری با ارقام و اعداد ندارم.

بیان این نکته را نیز ضروری میدانم که مطالبی را که در اینجا عنوان میکنم صرفاً جنبه تذکار داشته و انگیزه جز علاقمندی بآرمان‌های ملی و مجد و عظمت کشور عزیزمان ندارد (احسن).

آنها که بسوابق زندگی و شغلی ام آگاهی دارند میدانند که تا چه اندازه در اظهاراتم صادق و در طول زندگانی خود سعی کرده‌ام قدمی برخلاف مصالح کشور و حق و حقیقت برندارم (آفرین).

بحث من در بودجه مربوط به ضابطه و تجهیز نیروی انسانی و پرورش و تعلیم نسل موجود و نسل آینده است. بنابراین تکیه گاه من در ارقام بودجه مربوط به وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم و سازمان تربیت بدنی است همکاران عزیزم میدانند پیشرفت‌هایی که در کلیه شئون زندگی مخصوصاً در قلمرو فن حاصل شده است حاکی از توانائی مغز بشر است بنابراین ترقیات هر کشوری مرهون افراد مطلع و بصیر و مغزهای متفکر آنکشور است.

هنوز در صحنه جهانی کشورهایی دیده میشوند که با داشتن همه چیز قاده همه چیزند و در روی منابع عظیم ثروت در فقر و فاقه بسر می‌برند و کشورشان دستخوش آشوب است و کشورهایی را می‌بینیم که تقریباً از منابع طبیعی بی‌بهره‌اند ولی چون دارای افراد با لیاقت و مؤمن و تحصیل و تربیت یافته هستند قسمت نسبتاً مهمی از ثروت جهانی را جذب و در رفاه بسر می‌برند.

یک تن آهن بصورت طبیعی شاید در حدود ۲ یا ۳ هزار تومان ارزش ندارد ولی همین آهن را مغزهای متفکر در کارخانه‌های عظیم که محصول دانش بشری است بصورت یک اتومبیل لوکس در آورده و بالغ بر دویست هزار تومان بازارهای جهان عرضه می‌کنند.

پس پول و ثروت بدون استفاده از نیروی صحیح انسانی به تنهایی دردی را دوا نمی‌کند و نتیجه نخواهد بخشید ثروت درید افراد بی‌اطلاع در حکم اثری است که در دست فرزندی بی تجربه باشد بدیهی است در اندک زمانی آنرا معدوم خواهد کرد پس سؤالی که مردم و نسل آتی مورد نظر است و تعلیم و آموزش و پرورش نسل موجود بالاخص نسل جوانست زیرا نسل موجود جامعه را اداره

۳- اصل عدالت اجتماعی - تأمین عدالت در سراسر کشور نیز از ثمرات انقلاب ایرانست یکی از اصول بارز تأمین عدالت در جامعه پیشرفته ایران است اجرای یکی از مهمترین اصول انقلاب همین تشکیل خانه‌های انصاف و شورای داوری است.

گرفتاری که مردمان روستائی از جهت حل و فصل اختلافات و مراجعه بمرکز شهرها برای این منظور داشتند مطلبی نیست که از نظر کسی پنهان مانده باشد چه بسا این آئین و رفته‌ها و مراجعه بمقامات انتظامی و قضائی که غالباً امکانش برای همه روستائیان آماده نبود موجب میگردد که دهقان از حق خود صرف‌نظر کند و تن به حق کسی دهد که بهر صورت یک چنین وضعی آثاری ناگوار در خاطر او باقی می‌گذاشت.

روح عدالت خواهی شاهنشاه آریامهر در قالب یکی از اصول انقلاب تجلی و یکی از پدیده‌های ثمربخش انقلاب موجب گردید که خانه‌های انصاف در روستاهای کشور تشکیل گردد و دهقانان در بخش عمده‌ای اختلافات خود را با دلاوری خود حل و فصل نمایند و باید با اطلاع سروران عزیز برسانم که تعداد خانه‌های انصاف تا پایان بهمن ماه امسال به ۹۱۶ رسیده آمار کار سالانه آنها تا آخر دیماه به ۵۲۸۹۷ پرونده بوده است (احسن) در اجرای این منظور مقدس شوراهای داوری در شهرها و بخش با شرکت معتمدان محلی که منتخب مردم هستند نیز تشکیل گردید در امور حقوقی و جزائی به نسبت معین رسیدگی می‌کنند تعداد شوراهای داوری نیز تا این تاریخ ۲۰۳ میباشد که مجموعاً به ۱۱۷/۶۳ پرونده رسیدگی کرده‌اند.

تعمیم عدالت اجتماعی حتی در روستاهای دور افتاده یکی از خصوصیات درخشان جامعه امروزی است (صحیح است).

شاهنشاه با روح آزادمنشی و دموکراسی که از خصوصیات معظم له است اراده فرمودند که کار مردم در دولت مردم باشد امروز علاوه بر خانه‌های انصاف و شورا های داوری انجمن دهه انجمن شهر و انجمن شهرستان شوراهای فرهنگی - شوراهای شرکت‌های تعاونی بالاخره استانی کردن بودجه تماماً از نظرات بلند رهبر عالیقدر سرچشمه می‌گیرد.

بمعناست شغل قضائی و آشنائی که با ضوابط دادرسی دارم بعضی احکام خانه‌های انصاف و شوراهای داوری

می‌کند و نسل آتی جامعه را می‌سازد (صحیح است) کشور ما بسرعت در پرتو انقلابات ۶ بهمن بسوی صنعتی شدن پیش می‌رود پس باید پیشرفت معنوی جامعه هم فراموش نکرد و سعی نمود که جامعه را از جهات معنوی نیز غنی نمود شاید به پرسند چه جامعه‌ای کامل است علمای اجتماعی جامعه‌ای را پیشرفته و مساعدت‌مند میدانند که متکی به چهار اصل باشد:

۱- اصل امنیت اجتماعی ۲- اصل مساوات و برابری

۳- اصل تأمین عدالت اجتماعی ۴- اصل فضیلت علمی و اخلاقی. خوشبختانه جامعه ما از نظر هر چهار رکن قوی است (صحیح است) ۱- اصل امنیت اجتماعی - مسئله اینست بقدری مهم است که احتیاج به بحث ندارد در جامعه‌ای که امنیت نباشد هیچ چیز وجود ندارد، نظام فرهنگی اقتصادی، اجتماعی و کلیه نظاماتی که لازمه بقاء زندگی بشری است نمی‌تواند شکل بگیرد و مردم در بلا تکلیفی بسر می‌برند خوشبختانه کشور عزیز ما در پرتو توجهات رهبر عالیقدر کشور از امنیت بی‌نظیر برخوردار است و در صحنه جهانی امروز کمتر کشوریست که از جهت امنیت و آسایش بی‌پایه کشور ما برسد موقعیت خاص جغرافیائی و منطقه‌ای ایجاب میکند که از نظر دفاعی کاملاً مجهز باشیم ارتش نیرومند ما با داشتن افسران و سربازان غیور و سلاح‌های مدرن و تکمیل مهارت‌های لازم در موقعیت خاص قرار گرفته است که هر تجاوزی را در اسرع وقت منکوب می‌سازد (صحیح است) در سایه این امنیت است که مادر زمینه‌های مختلف بموقعیت‌های چشم‌گیری نائل شده‌ایم ۲- اصل مساوات و برابری - اگرنگاهی به ۵۰ سال قبل بینکنیم خواهیم دید کجا بوده و به کجا رسیده‌ایم اختلافات شدید طبقاتی - روابط ارباب و رعیتی - کار فرما و کارگر - عدم تساوی حقوق مرد و زن مطلبی نیست که از خاطرها محو گردد انقلاب ۶ بهمن که در اثر رهبریهای خردمندانه شاهنشاه آریامهر صورت گرفت به نظام کهنه و منحط ارباب و رعیتی خاتمه داد کشاورز مالک زمین گردید - کارگر در سود کارخانه شریک و حتی مالک سهام کارخانه شد آزادی زنان در شرکت در امور اجتماعی و انتخابات به این تبعیض ناروا خاتمه داد. جامعه امروز این که متکی با اصول مساوات و برابری است هر کس با اندازه لیاقت و تلاش خود از امتیازات جامعه برخوردار میگردد.

بنابراین انقلاب بزرگ ایران باین نابرابریها پایان

داده است (صحیح است).

دیده‌ام با اعتقاد کامل باید بگویم اگر از نظر جمله‌بندی بیا به احکام قضات نرسید ولی از نظر محتوی مشحون از احقاق و عدالت خواهی است.

این جاست که باید تشخیص داد که ملت ایران از استعداد و لیاقت کافی برخوردار است باید این استعدادها را تقویت کرد باید با یک روش صحیح و یک تربیت کافی مبنی بر اصول دینی و اخلاق موجبات رشد چنین استعدادهایی را فراهم کرد و در جهت سازندگی و اداره کشور استفاده نمود.

این یکی از نظرات اینجانب است که از دولت میخواهم در تقویت آن بکوشد.

سازندگی کشور در کلیه جهات درجای خود نرسیده است و در آن یحیی نیست ولی بغاوتات آن باید در رشد استعدادها و ساختن روحی و تربیتی مردم نیز بکوشید.

یک کشور صنعتی محتاج افرادیست دارای مهارتهای صنعتی باید قبل از آنکه این کسری مشکلاتی در تکنیک و چرخ صنعت در آینده بوجود آورد ب فکر تأمین آن باید بود.

دولت از هم امروز باید با آینده نگرى به تربیت و پرورش افراد بپردازد چه دولت چه مجلس و چه سایر مقامات هم و همه باید در این امر مهم شرکت جویند زیرا در جهت سازندگی کشور بین دولت و مجلس و طبقات، مرزی نمی‌شناسم بعبارت دیگر برای ما نمایندگان درک موقعیت زمان لازم است و برای دولت درک موقعیت مکان ما نمایندگان باید بدانیم که نمایندگان دوران

رستاخیز هستیم امروز باید پیش از هر زمان دیگر احساس مسئولیت کرد و اهداف حزب رستاخیز را در مغز و روح آنها جادیم باید تمدن عظیم و افتخارات تاریخی کشور خود را برای آنها بیان کنیم، روح اعتماد به نفس و امید بآینده را در آنها تقویت نمائیم باید بانها بیاموزیم که در راه سازندگی کشور گام بردارند بعبارت دیگر در تقویت شخصیت آنان بکوشیم. باید در مدت دوران نمایندگی خود سطح دانش و بینش آنها را بالا برد اما چرا برای دولت درک موقعیت مکان لازم است در طول تاریخ هیچ نخست وزیر و دولتی این اندازه از عنایات و راهنماییهای شاهنشاه مستفیض نبوده است.

مجلس رستاخیز با تمام نمایندگان اقدامات دولت را مورد تأیید قرار داده است بحمدالله وضع درآمد دولت در سایه رهبریهای شاهنشاه و استیفای کامل حقوق ملت از منابع نفت، بعد کافی خوبست (صحیح است) لذا کلیه موانع مفتوذ و مقتضی موجود است بنابراین دولت در

مکان خاصی قرار گرفته است اجرای برنامه‌های عمرانی و اصلاحی برایش از هر جهت آماده است و هیچ مسامحه و غفلتی مسموع نخواهد بود.

جای کمال خوشبینی است که دولت و مجلس هر دو در زیر پوشش حزب رستاخیز ملت ایران قرار گرفته‌اند.

بنابراین اگر سنگرهای خدمتگزاری با یکدیگر تفاوت دارد خوشبختانه هدف یکی است و هم در اجرای منویات مقدس شاهنشاه در نوسازی ایران بزرگ برای رسیدن بدروازه‌های تمدن گام بر میداریم (احسن).

در این مدت کوتاه که افتخار عضویت در پارلمان دوره رستاخیز پیدا کردم با اکثر همکاران عزیزم آشنا شدم بسیار خوشوقتم که صریحاً در این مجلس مقدس اعلام دارم که هرگز نشنیده‌ام که نماینده‌ای تقاضای شخصی را مطرح سازد. همه سعی می‌کنند که خواسته مردم محل را در عمران آبادی در بر آوردن احتیاجات واقعی هم‌شهریهای خود را بر آورند.

این طرز تفکر و این اعتقاد بانجام خواسته مشروع مردم در جهت نوسازی مملکت نشانه بارزی از رشد و اعتقاد نمایندگان است.

لازم میدانم که بنام خود و سایر همکاران عزیزم از دولت بخواهم که رابطه نزدیکتری با نمایندگان داشته باشد تا این علاقمندی نمایندگان در چارچوب مصوبات و اعتبارات دولت به نتیجه مثبت برسد.

درک اهمیت دوران رستاخیز ما را بر آن میدارد که در جلوگیری از کاغذ بازی - عدم تحرک بودجه‌های عمرانی - تسریع در انجام برنامه‌ها بکوشیم.

زیرا جامعه ما در حال تحول و پیشرفت است این تحول در زمینه‌های مادی انجام میگیرد ولی در زمینه‌های روحی و اخلاقی شاید چنین نباشد اگر بین پیشرفت صنعت و تکنیک و سیر معنوی و اخلاقی جامعه هم‌آهنگی نباشد در ارکان جامعه تزلزل پیدا خواهد شد.

ما نمایندگان تنها وظیفه نداریم که فقط در جهت تأمین احتیاجات محلی گام برداریم با اعتقاد من وظیفه مهمتری نیز به عهده ماست.

ما باید مانند یک آموزگار در حوزه‌های انتخاباتی خود فعالیت‌های علمی داشته باشیم ما باید از طریق کانون‌های حزبی ارکان های مقدس ملی اصول انقلاب را برای آنان تشریح کنیم.

در دوران رستاخیز باید پیش از هر زمانی احساس مسئولیت کرد زیرا جامعه ما سرعت در حال تحول و پیشرفت است

در این راه هر کس باید منافع و هدف های شخصی را فراموش کند مصالح فردی باید فدای مصالح اجتماعی گردد آنهایی که از مزایای بیشتر بهره‌مند میگردند و مقامات بزرگ کشور را اشغال کرده‌اند باید بیشتر احساس مسئولیت نموده و فداکاری کنند.

اصولاً نوسازی و پیشرفت هر جامعه احتیاج به از خود گذشتگی و فداکاری حتی جانبازی دارد کشور ما سریعاً صنعتی میگردد با موقعیت خاصی و وجود منابع سرشار ما باید صنعت خود را بسرحد رفع نیاز در هر چیز برسانیم نه تنها همه چیز باید در داخل کشور تهیه گردد بلکه باید سرمایه گذاری در صنایع بزرگ و ثابت منبع درآمد ما باشد حتی ما باید فرآورده‌های صنایع خود را به خارج صادر کنیم ولی باید توجه داشت که در کنار این پیشرفت سیر معنوی و اخلاقی را در جامعه فراموش نکنیم باید دانست دنیای صنعتی همه مشکلات را حل نمی‌کند کسی منکر اقتصاد و صنعت نیست ولی باید گفت صنعت و اقتصاد تنظیم کننده یکی از حوائج بشری است.

نباید اعتقاد بیش از حد اندازه موجب گردد نسنله اخلاق و خصائل انسانی فراموش گردد (صحیح است).

در کشورهایی که صنعت قسمت عمده مشکلات بشری را حل کرده ولی فقدان اخلاقی گرفتاریهای بزرگی در روابط افراد و جامعه ایجاد کرده است واقعیت اینست که خوشبینی بشر با اصول مسلمی نیست که از طریق علم و تکنیک کسب نموده در روزی این معرفت مسلم در کنگه ضمیر آن معرفت دیگری وجود دارد که اخلاق و تقوی از آن سرچشمه می‌گیرد (احسن) اگر در جامعه مردم با یکدیگر روابط حسنه نداشته باشند و کلیه معیارها بر مبنای پول و ثروت قرار گیرد آن جامعه قابل احترام نیست باید از هم اکنون که کشور بسرعت در جهت صنعتی شدن پیش میرود مسئله پیشرفت اخلاق و فضائل انسانی را فراموش نکرد و الا جامعه دچار عدم توازن میگردد.

یک جامعه متمدن را نباید تنها با پلیس و دادگاه و قانون حفظ کرد باید پلیس او در درون و سرشار از مظاهر عالی اخلاقی و وجدانی باشد در کشور عزیز ما که بسرعت بسوی ترقی و تعالی پیش میرود باید فضای اخلاقی و فضیلت و تقوی مسرود بررسی قرار گیرد باید یک جامعه در حال پیشرفت را از آلودگیها بهر شکل که باشد حفظ نمود یوزش فرهنگی مآبی در کشور ما بصورت نگران کننده‌ای درآمد است حد و مرزی نمی‌شناسد و با هیچ مقاومتی روبرو نمیگردد بیشتر نگرانی ما اینست که

ما از تمدن فرهنگی جنبه‌های مثبت را از نظر دور داشته و به زرق و برق ظاهری آن قناعت کرده‌ایم کسانی که باین نحو متجدد شده‌اند پای بند به هیچ اصولی نیستند نه اخلاق ایرانی و نه نزاکت خارجی.

گرایش بی حد و محصور بظرف تجمل پرستی و لوکس گرانی موجب گردید که در باره‌ای از موارد اصول را فراموش کنیم متأسفانه باید اعتراف کرد که این تجمل پرستی در دستگاه هیئت حاکمه نیز بسوخ کرده است اگر در سودای تجدد جونی و تجمل پرستی حد و اندازه‌شناسی این خطر وجود دارد که اصالت‌های ملی را از دست بدهیم هیچ ایرانی شرافتمندی حاضر نیست به قیمت هر چیزی افتخارات ملی خود را از دست بدهد (احسن) فرهنگ و هنر مایک ریشه چند هزار ساله دارد این فرهنگ به بیرون مرزها رخنه کرده و هنر زیبایی ما حتی بکشورهای خارج رنگ و جلوه خاصی داده است.

یک ملت حق ندارد به هنر و فرهنگش تکیه کند و بان افتخار کند بایستی در این مورد شایسته بیکران خود را به پیشگاه شهبانوی عزیز که در راه زنده نگاهداشتن هنر و سن ملی تلاشی بی اندازه نموده اند تقدیم دارم (احسن) هم اکنون شهرهای بزرگ ما سیمای تحمل ناپذیری بخود گرفته است سنگینی ترافیک - وقت کشی‌های بیهوده - تشویش و تزلزل عصبانیت قسمت عمده نیروهای سازنده آنها را بیاد میدهد و محیط روانی نامساعدی ایجاد کرده باید برای حل این مشکل فکری کرد هم اکنون نارسائی‌هایی تقریباً در کلیه سطوح و زمینه‌ها بچشم میخورد قدرت تخلیه بنادر به نحو عجیبی پائین آمده است راهها کشش کافی ندارد بالا رفتن درآمد سرانه میدان تقاضاها را بعد کافی بالا برده قطب‌های صنعتی روستا نشینان را بسوی مراکز شهرها جلب می‌کند در نتیجه مزارع و کشتزارها خالی میماند و این به امر تولید کشاورزی لطمه خواهد زد.

شهرها ظرفیت کافی برای قبول این عده را ندارد بنابراین مسئله تامین آب و سایر مایحتاج دچار مشکل خواهد شد عدم کنترل بر درآمدهای نامشروع موجب ثروت بیکران در دست عده‌ای گردیده و همین افراد زندگی‌های افسانه‌ای را در پیش گرفته‌اند.

توجه عامه باین نوع تجمل آنهایی را که دارای معنویات و اعصاب قوی نیستند لاجرم آنان را به داشتن چنین زندگی ترغیب می‌کند آنوقت مسئله فساد پیش می‌آید. فساد در هر زمان بسیار خطرناک است.

ولی در امر مبارزه با فساد بایستی این موضوع با دقت و احتیاط صورت گیرد بابت انجام گیرد که فردا فردا آزاد نباشد تا محیط خود را آلوده نکند، با احتیاط صورت گیرد زیرا باید رعایت حیثیت مردم را کرد. مردم فدای غرض ورزی نشوند، باید مواظب بود مبارزه با فساد جنبه تبلیغاتی پیدا نکند و کار بجائی نرسد که در سایه سر و صداهای بی جهت فرد خاطی از چنگال عدالت فرار کند (صحیح است) مسئله‌ای که باید بعرض برسانم موضوع انجام اعتبارات عمرانی است، باید ترتیبی داده شود که اعتبارات قبل از انقضای فصل بمصرف برسد تا به نتیجه مثبت برسد.

در خانم امیدوارم به عنایات ذات پروردگار این مجلس بتواند قدمه‌های بزرگی در راه سازندگی کشور بردارد و ما در پیشگاه شاهنشاه و مردم و تاریخ روسفید بساکنیم (احسن است).

رئیس - آقای تقی زاده منظری بفرمائید -

تقی زاده منظری - آقای رئیس، همکاران گرامی قبل از هر چیز وظیفه من هست از زحمات کسبانی که در تنظیم این بودجه باین صورت علمی و امروزی یعنی بودجه‌ای که در عصر رستاخیز، بودجه‌ای که در حقیقت همزمان با آغاز دوران پنجاهمین سال سلطنت دودمان پهلوی تنظیم شده است، از همه کسانی که در راه تنظیم این بودجه باین شکل علمی و امروزی زحمت کشیده‌اند تشکر کنم. همکاران عزیز بهبود کیفی و بالارفتن رقم بودجه در اثر تلاشهای رهبر بزرگماست (صحیح است) و در پی آن در اثر تلاشهای مردم مبین ما انجام و ایجاد شده است، در حقیقت تلاشی انجام گرفته است که باین تلاش منطبق با تطبیق داده‌ایم اعمالمان را با اوضاعی که انقلاب شاه و ملت برای ما ایجاد کرده است (صحیح است) حقیقت مسلمی است همانطور که وضع ما ابداً، بعد از انقلاب با قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست وضع بودجه ما هم همین شکل با بودجه‌های قبل از انقلاب قابل قیاس نیست. شکی نیست، حق هم هست که بودجه امروز مملکت ما با نیازهای امروزی ملت ما تطبیق کند. اینجاست که باید سیاست فراوان خودمان را به پیشگاه رهبر بزرگ و اندیشمند خود عرضه کنیم. (احسن است) حقیقتی است مسلم و آن اینکه دولت در این رهگذر واقعاً تلاش فوق‌العاده‌ای داشته است. این تلاش همراه با تلاش ملت ما بوده است. اگر در ادامه ضمیمه انتقادی میکنم با مسئله‌ای را عنوان میکنم

جبران کند. این مسئله قابل ملاحظه‌ای است. مسئله‌ای که واقعاً بایستی بان دقت شود این است که دستگاه آموزش و پرورش یک دستگاه تولیدی است راندمان این دستگاه با راندمان هیچ دستگاهی، هیچ ماشینی قابل قیاس نیست چنانچه این دستگاه راندمانش پائین باشد راندمان جامعه پائین خواهد رفت. بنابراین واقعاً باید محیط ما آنچه تلاش داشته باشد که این راندمان امر آموزش و پرورش را بالا ببرد. بالا برای اینکه در این صورت است که راندمان همه زمینه‌های اجتماعی ما بالا خواهد رفت. این دستگاه یک دستگاه تولیدی است، تولیدش انسانها هستند. این دستگاه انسان میسازد، انسان ایرانی میسازد، کمترین ضعف از این دستگاه باعث میشود ما ایرانی داشته باشیم اما انسان ایرانی نداشته باشیم این دستگاه که یک دستگاه تولیدی است در عین حال دارای مصرف هم هست اما چه نوع مصرفی؟ از مناسبترین نوع تولید خودش باید مصرف داشته باشد. یک بررسی ساده میکنیم. واقعاً این دستگاه آموزش و پرورش ما از مناسبترین تولید خودش استفاده میکند؟ یعنی زنده‌ترین افراد اجتماع جذب دستگاه آموزش و پرورش میشوند؟ جواب متأسفانه منفی است. در این دستگاه عامل انسانی بسیار بیشتر از عامل مادی تأثیر دارد. معلم و استاد اهرم هائی هستند برای بالا بردن کیفیت امر آموزش و پرورش این اهرمها باید بجا و مناسب انتخاب شوند و در عین حال باید حفظ شوند یعنی تنها انتخاب کافی نیست. شما اگر بهترین و زنده‌ترین فرد را انتخاب بکنید از دستتان درخواهد رفت. معلم و استاد انسانهای آگاه میسازند اگر معلم نقص داشته باشد، بطور اعم کلمه معلم را میگویم که آموزگار و دبیر و استاد هم هست، وقتی نقص داشته باشد شکی نیست تولیدش ناقص خواهد بود. معلم باید معلم روز باشد یعنی بچه من و بچه شما را مطابق روز بسازد. بنابراین خودش باید معلم روز، بموضوعات روز حتی به معنویات روز آگاه باشد. پس این معلم باید آموزش به بیند با صراحت عرض میکنم در دستگاه آموزش و پرورش ما این توجه، این ساختن معلم روز نقص دارد. بهمین دلیل خلاءهای فکری در دانش‌آموزان مادر جوانان ما و در دانشجویان ما ایجاد میشود. دلیلش این است که معلم ما در اکثر موارد معلم روز نیست. معلم می‌باید بازآموزی داشته باشد، کلاس به بیند ضمن تدریس خودش هم مختل باشد. این آموزش را که برای شما عرض میکنم یک مثال که خودم شاهد بودم در یک کلاسی که در

تایستان ۵۰ یا ۵۱ در تهران تشکیل شد یک کلاس بازآموزی بود که خود من هم بعنوان معلم ریاضی شرکت داشتم ضعیف‌ترین مدرسی در این کلاس تدریس میکردند بنام استاد افرادی در این کلاس شرکت میکردند که وقتی مطالبی را روی تابلوی نوشتند و نیمه تابلو پرمی‌شد، در وسط نوشته طرف از ما معذرت میخواست که آنچه نوشته اشتباه و غلط است. پاک میکرد و یک بار دیگر می‌نوشت. بنابر این یک چنین افرادی نمی‌توانند در کار بازآموزی افرادی که بچه‌های ما را تعلیم میدهند شرکت داشته باشند (یکی از نمایندگان - کاملاً صحیح است) اما شاید این سؤال پیش بیاید که چرا خود معلم خودآموزی نکند شکی نیست که معلم در مقابل، یک دستگاه اتوماتیک و خودکاری است که وقتی وارد کلاس میشود نمیتواند ناآگاه باشد، نمیتواند بدانش مسلط نباشد، اما توجه کنید یک معلم برای تأمین زندگی خود باید دزدهفته ۷ ساعت درس بدهد یک معلم باید ساندویچ ناهار خودش را سر کلاس بخورد، آیا با چنین وضعی خودآموزی ممکن است؟ خیر. ۲۸۸ هزار معلم در بهتای مملکت ما هستند. آیا از نظر تأمین زندگی، تأمین مسکن حفظ شده‌اند؟ این سؤالی است که من واقف نیستم، قیاس من ۳۲۹ نفر معلم شهرستان پشت است که حتی برای یک نفر از آنها مسکن ساخته نشده است! بنابراین من حق دارم این تشخیص را تعمیم بدهم در سطح کشور. پس از آن عاملی که دستگاه آموزشی و پرورش دستگاه تعلیم و تربیت مملکت باید بان توجه کند انتخاب و حفظ معلم است. حالا فرق نمیکند یک معلم دبیر باشد. لیسانسیه باشد، استاد باشد و یا دکتر. واقعاً معلم باید با دقت خاصی انتخاب شود. دست هر کسی را نگیرند بیاورند کلاس من و بگویند که توجای منظری ریاضی درس بده، جای معلم فیزیک مبصر را بفرستند که کلاس را اداره کند. این صحیح نیست. معلم باید بدستی انتخاب شود و بعد از انتخاب حفظ بشود. جا دارد بنده در اینجا وجود بعضی از مدارس کشور ما را که خوشبختانه در سطح بالا نئی اقدام میکنند به شما اعلام بکنم. مدرسی هستند که کارشان نمونه است نظم و انضابتشان نمونه است دانشگاههای ما از محصلین همین مدارس تغذیه میکنند شما فکر میکنید که آیا دانشجوی دانشگاه تهران یا دانشجوی دانشگاه آریامهر محصل یک مدرسه فلان شهر دور افتاده است؟ خیر، اکثر محصلین ممتازی هستند که در مدارس ممتاز تحصیل

میکنند این فرم را باید عوض کرد باید اگر بچه من در مدرسه البرز تحصیل نمی کند در شرایطی درس بخواند که راحت در کنکور دانشگاه موفق بشود باید چنین شرایطی را در امر آموزش و پرورش پیاده کنیم و گرنه اگر قرار باشد البرز که محصل با معدل ۱۹ بیالا را میگیرد و بسیار راحت از کلاس پنجاه نفری آن چهل نفر در کنکور دانشگاهها قبول میشوند اینکه مزیت نیست یک مسئله ای را بنده برخورد کردم که در بسیاری از موارد تکیه شده است به بودجه آمریکا اکثراً دیده ام خود آقای نخست وزیر یا بعضی از دوستان آمدند اینجا عنوان کردند که بودجه ما یک نهم یا یک دهم بودجه آمریکا است بعقیده من مقایسه رقم صحیح نیست مقایسه کیفی باید کرد نه کمی یعنی هرگاه با مقایسه کیفی ما یک نهم آن کیفیت را داشته باشیم یا ششم آنگاه این مقایسه عددی صحیح است شما بسیار فریادهای کمی تخصص می شنوید این تخصص مسئله ای نیست که ما وارد کنیم اگر وارد کنیم اشتباه است این ایرانی است که باید متخصص باشد این دستگاه آموزش و پرورش ما است که باید متخصص را تحویل جامعه ما بدهد مگر ما باید چقدر متخصص از خارج بیاوریم چرا رشته های فنی ما در حدی نیست که ما متخصص در همین جامعه تربیت کنیم در رشته های فنی نمی خواهیم کلمه صوری را بکار ببریم ولی میتوانم بگویم که نمایشی است نمونه اش را خودم عرض میکنم در سطح آستان گیلان یک مدرسه جامع در سال ۳۰ ایجاد شد یعنی در سطح استان زنده ترین محصلین دوره راهنمایی با نمرات سطح بالا معرفی شدند برای تحصیل در این مدرسه بطوریکه اخیراً بنده شنیده ام تبدیل شده است به یکی از شاخه های نظری با توجه باینکه مسئولان آموزش استان متأسفانه در آن حد آگاهی نبوده اند که برای تأسیس این مدرسه واقعاً همت بکنند خود معلمین استان گیلان حداً تلاش را اعمال کرده اند و معلم در حد یک خدمتگذار کار کرد، یک مدرسه جامع خیلی ناقص که خودم مدیر آن مدرسه بودم ایجاد شد شما فکر کنید که برای کارگاههای این مدرسه که ما میباید از همین کارگاهها متخصص فنی تحویل جامعه بدهیم چی فرستاده اند؟ تمام اقلامی که فرستاده اند بی حساب بود. برای یک کلاسی که ۱۲۵ نفر در آن میباید آموزش کارگاهی ببینند تا بوبه چینی آزمایشی فرستاده شد و تابش وقتی که از آن صندوق درآمد شکسته بود اما در عوض شاید حدود ده تا رتوستا فرستاده شد، دوستانی که در قسمت فیزیک مطالعاتی دارند متوجه

هستند که رتوستا چیست ممکن است یک گروه پنجاه نفری با یک رتوستا کار کنند این بی حسابی با اصطلاح و لخر جبهانی که نابجا انجام میشود واقعاً مایه تأسف است بهر جهت در یک چنین شرایطی ما با همت معلمین یک چنین کلاسی را دایر کردیم شاید باور کردنی نیست من درست در دل یک پدر که برای بچه اش معلم میگیرد از دستگاه آموزش و پرورش خواهش میکردم که شما معلم کارگاه بفرستید با هزار ناز و عشوه بعد از سه ماه دونفر را فرستادند بعنوان معلم کارگاه من نگاه کردم دیدم این افراد محصلین خود من بودند، در ۲ سال قبل که این محصلین از وضعیت ترین محصلین کلاس بودند حالا چطور جذب دستگاه آموزش و پرورش شده اند نمیدانم باین ترتیب نخواهم توانست واقعاً آن فریاد تخصص را بخوابانیم ممکن نیست، مجال است ما بتوانیم باین روش کار و نوع کار آن عطشی را که جامعه ما برای افراد متخصص دارد خاموش کنیم شک نیست ما از نظر کمی خیلی توسعه پیدا کرده ایم البته تکیه من فقط روی امر آموزش و پرورش است بلی از نظر کمی این کار را توسعه داده ایم اما با توجه باینکه مادر دوران رستاخیز هستیم، در عصر انقلاب شاه و ملت هستیم حق این است که ما بیائیم سطح کیفی کار آموزش و پرورش را با سطح کمی هم آهنگ کنیم اگر نکنیم اشتباه بزرگی است اگر نکنیم جامعه ما ضرر خواهد کرد باید بیابین نظر توجه داشته باشیم ممکن است سؤال بشود پیشنهاد تو در این زمینه چیست؟ پیشنهاد من اینست که دستگاه آموزش و پرورش همان دواصلی را که گفتیم مراعات کند اول انتخاب دقیق بعد حفظ معلم (آزین) یعنی اگر این دواصل حفظ شد در تمام زمینه ها واقعاً ما موفق خواهیم بود. در اینجا بجا است که در مورد کتابهای درسی صحبتی داشته باشم آقای دکتر صدیق اسفندیاری همکار عزیزم در اینجا مطالبی راجع به کتابهای درسی فرمودند بنده از ایشان اجازه میخواهم که این موضوع را تکمیل کنم کتاب درسی بآن صورت نیست که شما فکر کنید از جانی ترجمه و اقتباس شده است عین تجربه های پنجاه سال قبل در همین کتابها منعکس است منتها باین شکل که آمده اند محتوی چندین کتاب را در یک کتاب گنجانده اند. جبر و حساب و هندسه را گذاشته اند در یک کتاب و این را تحویل محصل دادند همه ما میدانیم وقتیکه محصل درس گفته میشود این درس باید در آن چنان سطحی باشد که محصل قادر باشد بکمک این درسی که شنیده است مسائل و تیرینات داخل کتاب را حل کند

من بعنوان کسی که تخصص در این کار دارم اعلام میکنم که محصل علاوه بر اینکه با تنظیم نادرست کتاب قادر بعل این مسائل نیست بلکه میبایست دو برابر آن فرصتی را که برای توضیح درس بکار برده برای مسائل و تمرینات بکار برد آیا این صحیح است؟ (ملک منصور اسفندیاری - اگر معلم بتواند هر سه موضوع را با هم تفهیم کند خیلی بهتر است) به شما گفتم که نوع بازآموزی معلم دارای چه اشکالاتی است بنابراین مشکل است که معلم بتواند این کار را بکند (یک نفر از نمایندگان - بیچاره محصل!) کتاب در اختیار افرادی است که غیر معلم هستند این افراد بعقیده من با تشبث به فرمهای مختلف از کار آموزش کناره رفته اند و رفته اند در کارها و رده های دیگر متأسفانه باید اعلام کنم که دستگاه آموزشی ما کار نوشتن کتاب را باین افراد واگذار کرده است شما پشت کتاب را نگاه کنید جوانی که تازه از دانشگاه پاریس فارغ التحصیل شده و تیر دکترا گرفته است کتاب دوران متوسطه را می نویسد و حال آنکه خود من یک معلم ریاضی هستم و تمام دوران تحصیل شاگرد اول شده ام (احسنت) هیچگاه دستگاه وزارت آموزش و پرورش، این مثال حمل بر خود - ستانی بنده نشود، هیچگاه دستگاه وزارت آموزش و پرورش از من نخواسته است که نظرتو راجع به برنامه های آموزشی چیست؟ (یک نفر از نمایندگان - شما تاکنون به اروپا رفته اید؟) بلی، چون در دانشگاه شاگرد اول بودم بنا بر فرمان شاهنشاه بخارج اعزام شدم منتهی بعد از سه چهار ماه بنا بر گرفتاریهای زندگی برگشتم بهر جهت آیا شما باین معلمی که باید این برنامه را پیاده کند و از نظر مادی دچار اشکال است و همچنین از نظر معنوی توجه کردید؟ آیا معلم تأمین است؟ آیا شما به معلم اعتنا کردید؟ معلمی که در یک دبیرستان دوازده ساله شهر رشت خدمت میکند و صمیمانه به پادشاهنشاه و کشورش خدمت میکند آیا باو رسیده اید؟ آیا شما به معلم برای ارتقاء به گروه ممتاز پوین قائل شدید؟ باید نود و خرده ای پوین بیاورد تا از گروه نه برود به ده یا از ۱۰ به ۱۱ اما شرایط ارتقاء چیست؟ علاوه بر سالهای خدمت تشویق محلی است، تشویق وزارتی است من سؤال میکنم با توضیحی که عرض کردم آیا وزیر آموزش و پرورش مرا می شناسند؟ آیا وزیر آموزش و پرورش اطلاع دارند که ما معلم ممتازی در یک مدرسه دوازده ساله در شهر رشت داریم؟ بدلیل اینکه اگر نشانند دیگر من پوینی برای ارتقاء ندارم. در این دوران مادی انتظار دارید که یک معلم چقدر

انسانی فکر کند. اگر فقط فکر انسانی داشته باشد پس جواب بچه خودش را چه بدهد (یک نفر از نمایندگان - بهترین تشویق شما این است که الان این جا تشریف دارید.) من یک نفر هستم ولی ۲۸۸ هزار معلم در سطح مملکت داریم همه باید تشویق بشوند در این جا ما باید واقعاً سیاستگذار رهبر بزرگمان باشیم، انقلاب شاه و ملت و اصول ۱۵، ۱۶، ۱۷، آن چه نعمتهائی ب مردم ارزانی داشته است چه پریشانی هائی را که از پدران و مادران این اجتماع ازین برده، یعنی وقتی که یک پدر، یک مادر قبل از دوران انقلاب بچه ای دانش آموز دانشگاهی داشت تمام فکرش این بود که این بچه چطور می توانست نضج پیدا کند، چطور میتوانست پیشرفت کند، فکری میکرد که اگر من نباشم سر نوشت این بچه چه خواهد شد، این مشکلات با انقلاب شاه و ملت حل شد، همه ما سیاستگذاریم، تمام مردم ایران سیاستگذارند (صحیح است) این انقلاب تحصیل رایگان از ابتدا تا انتهای تحصیل، تغذیه و بهداشت رایگان را به مردم ما ارزانی داشت، من خودم یک نمونه هستم که اگر تحصیل برایم مقدور بود من در لیسانس باقی نمی ماندم اگر برای من مقدرات بود هیچگاه تحصیلاتم متوقف نمیشد (یک نفر از نمایندگان - جوان هستید هنوز هم می توانید ادامه بدهید.) شما شوخی نفرمائید حقیقت این است که بسیاری از افراد اجتماع ما احساس پشیمانی فوق العاده می کنند. این احساس در قبل از انقلاب موجود نبود و الان وجود دارد این از مزایای انقلاب ما است، مجاد دارد که دستگاه آموزش و پرورش واقعاً تلاش خود را مضاعف کند چرا چون ایرانی تأمین شده ایرانی بیمه شده، حق هم هست که از یک تعلیم و تربیت در سطح بالاتر برخوردار باشد فکر نکنید که این باز نشست است که میگیرد فکر نکنند که این برای آن است که آرامش بکنند و این را باید بهش توجه کرد که دستگاه آموزش و پرورش باو تفهیم و حالی کند که تو با برخورداری از تمام مزایای محیط یک انسان واقعاً کاملی تربیت بشوی و واقعاً باید سعی شود که آنچنان انسانی تربیت شود که باین محیط ورزش و مملکت و شاهنشاه خدمت کند (صحیح است) این در وظیفه دستگاه آموزش و پرورش مملکت است اگر چنین نکند بزرگترین گناه متوجه همین دستگاه است جوان ایرانی سرشار است از عشق به تپاه و عشق به مملکت و این عشق باید مضاعف شود در این جوان، نه اینکه ذره ای از آن کاسته شود بسیاری جوانان ما خلاءهای فکری دارند خلاءهای فکری اینها

باید با مسائلی ملی بیک نحو شایسته‌ای بر شود (یکی از نمایندگان - والدین هم باید نفی داشته باشند) ذریه کردن این خلأها والدین هم رل دارند دستگاه آموزش و پرورش رل عمده را دارد چند روز قبل کتابی بنام کتاب ششم بهمن بوسیله وزارت اطلاعات بچاپ رسیده بود که یک نسخه آن بدست من رسیده است من وظیفه خود میدانم از این دستگاه تشکر کنم اما یک مسأله مهم اینجا است من در شرایطی هستم . یعنی امثال ما در شرایطی هستیم که اگر این کتاب را برای ما نفرستادند ما قطعاً تهیه میکردیم ولی این موضوع برای ما روشن نیست که چند جلد از این کتاب را در اختیار دانشجویان ما گذاشته‌اند [معاون وزارت اطلاعات و جهانگردی (سعادت) - ده هزار تا] کافی نیست . شما وقتی صد و چهل هزار دانشجو دارید ده هزار تا کافی نیست (سعادت - بیست هزار نسخه هم به خارج فرستادیم) یعنی در حقیقت از این ۱۴۰ هزار دانشجو هر چهارده نفر یک نفرشان کتاب بدستش رسیده است یعنی مثل اینکه ما که ۲۶۸ نفر نماینده هستیم ۲۰ کتاب بدهند .

رئیس - آقای تقی زاده این کتاب در کلیه کتابخانه‌های دانشکده‌های کشور هست، همه دانشجویان میتوانند از آن استفاده کنند .

تقی زاده منطری - خیلی متشکرم ، باز مشکلی از نظر جوانان مملکت ما برای من وجود دارد و آن این است که وقتی در حدود هشت هزار نفر در سال گذشته برای ادامه تحصیل بآمریکا یا کشورهای خارج رفتند این از وظیفه دستگاه اطلاعاتی مملکت ماست که اینها را واقعاً هدایت و ارشاد بکند و رها نکند یعنی اینهاییکه در اقیانوس تبلیغات خارجی شناور می‌شوند دست اینها را بگیرند . از بحث تعلیم و تربیت میگذرم چون احساس میکنم در این زمینه بحث زیاد شده است و همکاران خسته شده‌اند اما مسأله دیگری که بنده در اینجا مطرح میکنم مسأله مسکن است شکی نیست مسأله عرضه و تقاضای یکی از عواملی است که مشکل مسکن را برای ما ایجاد کرده است اما این تنها مشکل امر مسکن نیست این یکی از عواملی است که این مشکل را ایجاد کرده مشکلی که که من با عقل خودم احساس میکنم این است که یک فساد گرانفروشی در مسکن است این می‌باید برطرف شود و حل گردد وقتی که ما بحق یک فروشنده‌ای را بخاطر اینکه یک مال ده ربالی را بازده ربالی میفروشد او را تویخ و جریمه و مجازات میکنم حق این است که این امر تعمیم پیدا کند در تمام سطح، فکر کنید در تهران شاید ۸۰ هزار واحد مسکونی اضافی و خالی موجود است

پس این امر نشانه این است که عرضه هست ولی تقاضا نیست (یک نفر از نمایندگان - تقاضا هست عرضه نیست) دلیلش را میگویم که عرضه هست و تقاضا نیست . بعد برایتان روشن میکنم و تکیه عدای خیلی راحت و سریع باین کار روی میآورند اینجا برای من یک توهم پیش میآید (یک نفر از نمایندگان - رابطه مالک و مستأجر صحیح نیست) مسأله‌ای که برای من قابل مطالعه است این است که آدمی میآید آپارتمانی میسازد با متر مربع حداکثر دوهزار تومان ، میفروشد ۸ هزار تومان، یعنی چهارصد درصد سود برده است اینجا است که باعث میشود عرضه متأسفانه در اینجا و در این تهران ما زیاد است ولی خریدار نیست چون خریداری که متری ۸ هزار تومان بخرد اکثریت مردم نیست (یک نفر از نمایندگان - اقلیتی هستند که میخرند) آن اقلیت برای ما مهم نیست و کاملاً بی اهمیت است در مسأله مسکن آن اقلیت امکان دارد متری ۸۰ هزار تومان هم بخرد ولی آن چیزی که برای ما اهمیت دارد این است ما شرایطی را ایجاد کنیم که وقتی این مسأله مسکن مطرح شد باید دید کسانی که این مسکن را میسازند چقدر سرمایه گذاشته‌اند چه مدت صرف وقت کرده‌اند یک شش‌ساعه باید از این واحدهای مسکونی تهیه شود و معلوم بشود که چقدر سود عادلانه باید بپردازند کد امیک از کارهای اقتصادی ما غیر از مسکن . . . ۴ درصد سود دارد ؟ هر جا سودی دیدید باید دنبال دلیل آنهم باشید بهر جهت خواستم شما را متوجه مسأله مسکن کنم، این مسأله مسکن مشکلی است بالاتر از مشکل عرضه و تقاضا، اما مسئله سومی هم جهش و پیشرفت که بنده عرض می‌کنم ، مسئله کشاورزی است اگر چه در تخصص من نیست اما استنباط من ، مشکلات آنها است . ما پیشرفت و جهشی کردیم، خواستهای مردم هم جهش و پیشرفت کرده، انقلاب شاه و ملت ما را از هیچ به همه چیز رسانده، توقع کشاورز ایرانی نابجا نیست اگر همه چیز میخواید این کشاورز می‌باید از نظر زندگی تأمین شود . (صحیح است) - اصل اول انقلاب همه چیز باین کشاورزان داده شده است ، (صحیح است) . سدهای معظمی که در این مملکت ساخته شده همه چیز را در این مملکت حل کرد (صحیح است) ، آآن در بعضی از نقاط کشور کمبود آب مطرح نیست . اما بموازات این اقدامات باید یک کشاورز واقعاً بهمه قسمتهای زندگی اش برسد ، توجه دازید که فرق نمی‌کند یک کشاورز و کارگر و وزیر یا نماینده و یا هر شخصیتی در این مملکت همه دارای پندار

و کردار مشترکی هستند بنابراین در یک چنین شرایطی هیچ یک از افراد جامعه معیون نباید بشود همه باید آزمایای این محیط در حقیقت اقتصادی برخوردار باشند اما این مسئله برخورداری اقتصادی آزمایای محیط را طرح می‌کنیم می‌بینیم که بسیاری از کشاورزان ما لزایم مزایا به تساوی برخوردار نیستند، آبی که سالم باشد در اختیار آنها نیست، بسیاری از روستاهای ما برق ندارند، و طبق فرمان شاهنشاه بزرگ ما، باید از یک مسکن سالم هر کشاورزی برخوردار باشد . متأسفانه هنوز شاید رقم بسیار بالایی از کشاورزان ما از این مزایای اجتماعی برخوردار نیستند، باید برق، آب، مسکن در اختیار کشاورزان ایرانی باشد، باید تلاش ما واقعاً طوری باشد فاصله‌ای که از لحاظ بهره‌وری از اجتماع مابین شهر و روستا میباید سعی شود این فاصله بعداقل برسد و واقعاً باید کاری بشود که یک کشاورز مثل یک فرد شهری از همه مزایا برخوردار باشد ، بیمه باشد، چون میدانید وقتی که برای کشاورزان ما یک مشکل درمانی پیش می‌آید قطعاً مستأصل میشوند، یک کشاورز که بیمه نیست اگر مشکل درمانی برایش پیش بیاید اگر کسی نباشد که او را راهنمایی کند، او باید تمام زندگی اش را برای حل این مشکل صرف بکند، اینها سنایی است که باید در کمیسیون باینها رسیدگی کرد . در عین حال که باید تأمین برای فروش محصولات کشاورزان وجود داشته باشد منتها بعقیده من باید امکاناتی از جهت فروش محصولات در اختیار آنها گذاشت، یک مسئله مهمی که بنده روی وظیفه‌ای که دارم ناچار هستم اینجا اعلام کنم و شاید بنظر تان برسد که تعصب خودم را اعلام می‌کنم مسئله دانشگاه گیلان است گیلان یک سرزمین بسیار حاصلخیزی است، جای بسیار مستعدی است، هم از این نظر و هم از نظرهای دیگر اگر نگاه کنید، می‌بینید، رئیس دانشگاه شما رشتی است، وزیر علوم شما رشتی است (یک نفر از نمایندگان - ولی ایشان وزیر رشت نیست مال همه مملکت است) واقعاً در یک چنین شرایطی وقتی که من می‌بینم در بسیاری از نقاط مملکت ما دانشگاه ایجاد شده است، اما هنوز مادر گیلان دانشگاه نداریم، این برای من جای تأسف است و در عین حال جای تعجب است که چطور با داشتن چنین افرادی در سطح بالای مملکت چنین گرفتاری داریم، یک چنین مشکلاتی داریم . (دکتر رئیسی امروزها دیگر همه رشتی شده‌اند) گیلان هم طراز با آن اولین دانشگاهی که اولین بار در مملکت تأسیس شد

لیاقت داشت یک دانشگاه، داشته باشد (عده‌ای از نمایندگان همه جا لیاقت دارند) شکی نیست، این عرض بنده نفی نمی‌کند که نقاط دیگر ایران نباید دانشگاه داشته باشد عراستانی می‌باید دانشگاه داشته باشد، در این تردیدی نیست، اما گیلان جای مستعدی است درصد تحصیلی آن بالا است و اینست که باید باین محیط بیشتر رسیدگی شود و تکیه من در این کتابچه بودجه رقم ۲ میلیون تومانی را برای دانشگاه گیلان دیده‌ام متعجب شده‌ام، هم متأسف، متعجب شده‌ام که چطور من است در رأس آموزش عالی یک گیلانی باشد و توجه باین مسئله نشود که با ۱ میلیون تومان نمیشود حتی آن زمینی که در اختیار دانشگاه گیلان است تسطیح کرد این برای من جای تأسف بود و جای تعجب از این نظر وقتی رئیس دانشگاه گیلان تقاضای صد میلیون تومان برای اعمال مقدماتی دارد شش میلیون تومان باو بدهند . بنابراین بنده از این موقعیت استفاده می‌کنم ، یک مطلب دیگر بدوستان عزیزم اعلام می‌کنم که بدنبال اعلام این مبلغ ۲ میلیون تومان ، بسر کارش علیه مادر گرامی علیاحضرت شهبانو متوسل شدیم همانطور که در تمام موارد واقعاً این تودلیها، تیاها، برطرف میشود و این بار هم برطرف شد گویانکه بنده بعلت اینکه در مجلس خوابیده بودم سعادت نداشتم که خدمتشان برسم ولی فرمودند که این پول افزایش خواهد یافت (بانوابتجاج سمعی - فرمودند بی‌گیری میکنیم) . بنده در اینجا وظیفه خودم میدانم از این همه محبت ضمیمانه سپاسگزاری کنم مسئله دیگری که بنده در پایان سخنم اعلام میکنم و لازم میدانم که بگویم اینست که در امر مبارزه با فساد بایک مسئله باصلاح مسئله جنی مبارزه با فساد است نیز باید مبارزه کرد و آن مبارزه اساسی با تبعیض و تشبث، در این مملکت وقتی یک کارمندی کارمند دیگری را که هیچگاه از اولایق تر نیست در رأس اداره خودش می‌بیند، واقعاً دلسرد می‌شود و این دلسردیها بسیار به ضرر جامعه ما است و باید ازین برده‌شود . چند روز قبل یک استاد دانشگاه که از همشهریان خود من است مطلبی در حدود ۱۲ صفحه که متأسفانه همراه نیست راجع به مشکلاتی که در دانشکده پزشکی پهلوی پیش آمده نوشته بود و من داد و من بعد از بررسی بی‌بردم که این استاد هیچده سال است که در دانشگاه تهران تدریس می‌کند دانشگاه تهران دارای ضابطه ایست که وقتی کسی خواست ارتقاء پیدا کند باید تابع آن ضوابط باشد همه ضوابط اگر در شخصی بود تأیید یک گروه هم لازم است . در مورد این استاد که همه ضوابط را دارد یک گروه می‌نفری از

استادان هم تأیید کرده‌اند که این شخص می‌بایست این ارتقاء را پیدا کند شما فکر می‌کنید جای او که را گذاشتند وقتی گروه تأیید کرد که این آدم باید نراول باشد آن دیگری دوم و آن یکی سوم، رئیس دانشکده پهلوی کسی را که جزو این گروه اصولاً نبوده بجای او گذاشتند. آیا یک چنین امری در محیط علمی دانشگاه قابل پذیرش است؟

• (بانو ابتهاج سمعی - آقای دکتر هوشنگ‌نیاوندی سرد شایسته‌ای است و از این حرفها میرا است).

آیا می‌شود در کارهای علمی تبعیض قائل شد؟ آیا شما می‌توانید بمن که لیسانس هستم با تشبث یک دکتر بدهید؟ اینها مسایلی است که واقعاً باید روشن شود (مهرداد - اسمن را بگویند). بشخص شما خواهیم گفت در شرایطی که امروز در مملکت ما موجود است این مسئله هم باید مانند سایر مسائل پیگیری شود (مظهری - رئیس دانشگاه پهلوی بسیار مرد شریفی است). بهرحال از اینکه محبت کرده‌اید و سخنانم گوش دادید متشکرم، توفیق همه دوستان و همه مردم ایران را در خدمتگزاری به شاهنشاه بزرگ و سپین عزیز خواستارم.

رئیس - آقای دکتر فرزاد امیری بفرمائید.

دکتر فرزاد امیری - جناب آقای رئیس همکاران محترم، اجازه می‌خواهم قبل از ورود به مطلب عرض مختصری در مورد فرمایشات همکار ارجمندم عرض کنم گویانکه قرار بر این بود که جواب همکاران محترم را بیات محترم دولت بدهد ولی چون من حقیقت گو هستم (چند نفر از نمایندگان - همه حقیقت گو هستند) بلی همه‌مان حقیقت گو هستیم بیان حقیقت کمک بخود حقیقت می‌کند می‌خواستم عرض کنم در رأس دانشگاه پهلوی شیراز فردی است که او هم حقیقت گو و خدمتگزار به شاهنشاه هست و همیشه مورد تأیید شاهنشاه‌مان بوده و بهمین مناسبت او را در رأس دانشگاه پهلوی گذاشتند (صحیح است) و باید بگویم که این کار کوچک کار دکتر فرهنگ مهر نیست و با او هم نمی‌چسبد این راهمه ما اطمینان داریم زیرا او میرا است از این اتهام (تقی‌زاده منظری - منظورم دانشگاه پهلوی تهران بود). پس مسئله حل شد، بنده هم اگر حرف ناملامی زدم باتوضیح شما محترم را پس می‌گیریم و معذرت می‌خواهم ولی

نتوانستم راجع به فرهنگ مهر این چنین مطلبی را تحمل کنم بهرحال بودجه سه هزار میلیارد ریالی، مملکت‌مان ایران زمین سرزمین آریا مهد دلیران و دیار پرچمداران تمدن تمدنیکه قدمت آن در یادای شهرنشینی ثبت شده است مطرح است که با توجه به رقم آن و قیاس با بودجه سایر ملل ملی که زمانی ارقام بودجه‌شان زبانزد خاص و عام بود و با سنجش با آمار و ارقام آنزمان ما موجب اعجاب و شگفتی همگی گردیده و انگشت تعجب بر زبان بود و موج ناسف در نهان که چرا آنان در آن سیرتعالیند و مادران سیر فقرا اما اکنون وجود این رقم در کارنامه بودجه مملکت برای ملت ایران غرور آفرین است و برای دیگران اعجاب انگیز (صحیح است) غورو و اعجاب از این جهش اجازه فرمائید نه فقط به نکته جهش بیاندیشیم و به بیان جهش اکتفا کنیم که جز این چیز دیگری نیست زیرا این جایگاه مقدس که همیشه خانه ملت بوده اکنون که شاهد غرورها فخرها و بزرگشاهی‌ها در لابلای صفحات بودجه مملکت است و ناظر ابراز احساسات نمایندگان ملت از این همه موهبت و جهش متأسفانه زمانی نیز بالا جبار شاهد و ناظر تصویب بودجه بطریق یک دوازدهم یک دوازدهم بود نگرانی خاطر نمایندگان را بخاطر موقعیت نامساعد بخاطر دارد و شاید اگر زبانی داشت این زبان مبین آن خاطرات تلخ بود که اینک زبان معرین مجلس حاکی از آنست و من خود خوب بخاطر دارم که استادان در حوزه مأموریت خود در حدود سه ماه انتشار میدادند که قصد رفتن به تهران و گرفتن بودجه عمرانی داریم که پس از گذشت این مدت راهی سفر پرازمید خود میشدند و گاه اتفاق می‌افتاد که یکی دو ماه هم در مرکز درنگاپوی جلب نظر اولیاء بودند و در پایان پس از مراجعت به محل مأموریت اظهار میداشتند پنجاه هزار تومان یا آنان که موفقیت بیشتری داشتند صد هزار تومان برای استان پهنواری فرضا مثل کرمان که در آنزمان وسعت بیشتری هم داشت آوردیم ولی اجازه فرمائید با کمال سرافرازی اظهار بدارم سال گذشته خود من که تصدی انجمن استان را عهده‌دار بودم رقمی در حدود دوست و اندی میلیون تومان فقط در قالب بودجه طرح ناحیه‌ای که وسیله انجمنها تصویب می‌رسد در استان تقسیم کردم که در خود مقابل بودجه ملی رقم بسیار کوچکی است در اینجا است که مرتبه اول پروان پاك ناجی ایران بزرگ اعلیحضرت رضاشاه کبیر بنیانگذار ایران نوین درود می‌فرستیم (احسن است) اگر این مریض محضریکه بنام مملکت وجود داشت و آخرین روزهای

حیات خود را میگذراند همچون طبعی حاذق از مرگ حتی نجات نمیداد! اکنون ما قادر نبودیم راجع به بودجه آن بحث و گفتگو نمائیم و به یقین باید ادعان کرد که اگر آن سرباز فداکار که در راه نجات مملکت از یکسو و اعتلای نام این سرزمین از طرف دیگر از هیچ کوششی فرو گذار نکرد، نبودند. اکنون دیگر نه از تانک نشان بود و نه از تانک نشان نه مملکتی وجود داشت نه مانی بودیم و نه بودجه‌ای که بنشینیم و راجع بان اظهار نظر نمائیم (صحیح است) در مرتبه دوم در پیشگاه رهبر خردمندان فرزند خلف آن راد مرد بزرگ سر تعظیم فرود آوریم که با عزمی راسخ و اراده‌ای آهنین و با بهای تقد جوانی در مقابل ناسامانیهای ناشی از جنگ خانمانسوز جهانی که خواه و ناخواه حوادث آن در ایران اثرات نامطلوب گذاشت ایستادگی کرده (صحیح است) و نشیب‌های این مملکت را بفراز مبدل ساخته و خط بطلان بهمه آن تفکاتها کشیده و در سایه رهبریهای خردمندانانه معظمله دولت مجری نیات آن رهبر بودجه‌ای بمجلس شورای ملی تقدیم نماید که همچنانکه گفته شد موجب فخر و مباهات و غرور از یکطرف و اعجاب و تحیر از طرف دیگر است و همه ما بدان می‌بایم نمی‌گویم با مذاقه کامل با نکته سنجی و با استفاده از تخصص اقتصادی و مالی و برنامه‌ریزی بلکه حتی با نظری سطحی اگر بمن لایحه بودجه توجه شود بی‌خواهیم برد که قسمت اعظم آن از عوائد نفت بهره‌مند است نفتی که در بادی امر در قرارداد اداری ۱۶٪ آن سهم ملت ایران بود آنهم از نرخیکه خود دست اندرکاران بر آن می‌گذاشتند و از مقداریکه خودشان استخراج میکردند و با عواملی که از خودشان در رأس کارها داشتند نه یک فرد ایرانی خیر داشت نه دخالت داشت و نه کاره‌ای بود از ایرانیان فقط و فقط در کارهائیکه به نیروی بدنی نیاز داشت نه نیروی مغزی استفاده میکردند چیزی در ردیف بازبری ولی در سفر اخیریکه در معیت عده از نمایندگان بنقاط نفت خیز شد حقاً تحت تأثیر عظمت این منبع عظیم درآمد قرار گرفتیم آنچه از همه مهتم و معظمتر مینمود اینست که در سراسر این خاک حاصلخیز که زمانی ایرانی حق ورود به مرحله‌های شرکت نفت رانداشت یک نفر خارجی که دخالت در گردش چرخ‌های این صنعت بزرگ داشته باشد ندیدیم و شنیدیم اگر چند نفری هم هست بصورت دستیار موقت است تا وقتی که بتوان ایرانی جایگزین آن نمود همه گردانندگان ایرانی و همه دست اندرکاران ایرانی زیرا بخوانید رهبر مملکت

مالکیت آن متعلق بایرانی است و ما اکنون با ایجاد این وضع تا حدود ۷۵ درصد از عوائد نفت بهره‌وریم و این موهبت همراه با سایر موهبت با مناتت با درایت و با کارآئی خاص رهبرمان بدون جنجال بدون ایجاد طوفان و سروصدا بدون نابودی فردی از افراد مملکت برای ملت خود کسب کردند و این نیز مبولود انقلاب خاص ایرانست (صحیح است) که با ابتکار و طرح و جدیت همین رهبر اندیشمند بوجود آمد. تا درسایه آن بودجه‌ای با این اعداد و ارقام و در شان این دوران از مملکت که مردم آن تحت لوای رستخیز در یک صف متحد و با یک شعار واحد ملهم از ثبات آن رهبر در جستجو و تکاپو بند تادر زمان معین بتمدن معهود از جانب همان رهبر دست یابند راستی چه تأثیر انگیز است دورانیکه برای مخارج مسافرت های فرنگ مسئولین امر به بهای واگذاری قسمتی از سرزمین‌مان و با واگذاری امتیاز بهره‌برداری از توتوهای مملکت‌مان به دیگران از آنان وام می‌گرفتم و چه شادی آفرین و غرور انگیز اکنون که ما بدون کوچکترین چشم‌داشتی و بدون داشتن حرص و آزی کمک میکنیم تا انسانها پایدار بمانند و برای سازندگی سرزمین‌شان کوشش کنند خوشحالیم از پایدار شدنشان و شادیم از آبادی سرزمین‌شان در هر حال بودجه‌ایست در خورشان مملکت و درخور شان ملت ایران امید است با دلسوزی کامل نیروی اجرائی مملکت آنطور که زینده است عملی شود و با نظارت کامل مسئولین امر درست‌هم عملی شود و چون دوستان و همکاران ارجمند و محترم آنچه را من بنظر رسیده و نکات تذکراتی آنرا یادداشت کرده بودم بیان فرمودند دیگر لزومی بتکرار آن نمی‌بینم و می‌گذارم و می‌گذارم فقط بذکر یکی دو نکته که شاید گفته نشده ببادرت می‌ورزم: دلیل اینکه در سلوچه گفتارم به مسئله آب تکیه میکنم اینست که از سرزمینی آمدم که تقریباً کم آبست نه تقریباً بلکه تحقیقاً همه میدانیم که جنوب ایران منطقه‌ایست کم آب و در این میان استان کرمان از همه بیشتر در مضیقه است لذا ساکنین این دیار بیشتر باین مسئله میاندیشند روزیکه میبینیم در مواقع بارندگی آبی در جریان است خوشحال میشوم ولی در عین حال متأثر از اینکه چرا وسیله‌ای نیست که از هدر رفتن این نعمت خداداد جلوگیری بعمل آید و آنرا بصورت ذخیره درآورد تا در مواقع ضروری نه در مضیقه باشیم و نه ناگزیر از جیره‌بندی آن و برای اینکار شاهدی و مشابیه هم دارم روزگاری بود که گازهای حاصل از جها‌های نفت بسا مسوختند و کسی هم بدان توجه نداشت ولی حالا با

مهار کردن آن درستون درآمد بودجه مملکت زحمی را بخود اختصاص داده ننگه دیگر اینکه زمانی روستاهای مافظ محلی برای کمی کشت و زرع بود و روشنائیان نیز عوامل این کشت و زرع بدون اینکه در جمع انسان ها حساب آیند واحدی از آحاد باشند و محلی از اعراب ولی اکنون زمان عوض شده و برنامه روستاها در سلو حه بودجه قرار دارد و سیل و سائل رفاهی بدان نواحی سرازیر است در کوچکترین واحد روستائی نشانه هائی چند از این وسائل و اماکن رفاهی وجود دارد ولی امکانات رفاهی برای عوامل و ایادی مسؤل این عوامل رفاهی نسبت فی المثل در یک روستا مدرسه نیست معلمی هم با نجا فرستاده میشود ولی آیا اندیشیدیم که کجا زندگی کند ملاحظه میفرمایند حداقل مدرکی که برای یک نفر معلم در نظر میگیریم مدرک دیپلم است و حداقل مدرک تحصیلی برای افراد دیگر که بدانجا میروند دکترا است که یک نفر دکترا مأمور خدمت روستا است این افراد همگی در جاهاییکه امکانات رفاهی بیشتری داشته زندگی کرده اند فرد دیپلمه در دامان خانواده خود حداقل در یک شهرستان کوچک یا یک بخش تحصیل کرده و طبیب و مهندس و دیگران چند سالی از زندگی دوران جوانی را در جانی گذرانده اند که موقعیت دانشگاهی داشته و بالطبع جوانی زندگی در این حداعات کرده حالا این جوان را با این مشخصات میفرستیم بده بدون اینکه حتی یک اطاق داشته باشد که شب را در آن بسربرد من در یک دهستان مشاهده کردم که معلمین مدرسه ای که چهار نفر بودند در یک اطاق روستائی زندگی میکردند با ابتدائی ترین وسیله زندگی ما رقم پنجاه و چند درصد جمعیت روستائی داریم اگر عوامل سزویس دهنده این عده پنجاه و چند درصد از عوامل مسؤل خدمات کشور را شامل نشود بیست و سی درصد که اکثریت را تشکیل میدهد من در بودجه تقدیمی در سرفصل خانه سازی فصلی را نمی بینم که مربوط به این عده باشد که با وجدانی پالو در ابتدای خدمت در دور افتاده ترین نقاط مملکت خدمت مینمایند خوبست در کنار هروا حد رفاهی از قبیل مدرسه، خانه ترویج، خانه بهداشت و غیره مکانی هم برای زیستن مسؤلین آن در نظر بگیریم از طرفی در تقسیمات کشوری مزایائی تحت نامهای خارج از مرکز محلی نیست مزایای اشتغال یا هر نام دیگر برای یک شهرستان در نظر میگیریم هر کس در هر نقطه این شهرستان خدمت کند از همان مزایا استفاده بنماید تصدیق خواهید فرمود تفاوت است بین کیسی که در مرکز شهرستان با تمام وسائل رفاهی و ششغسل است

با کسیکه در دور افتاده ترین نقطه همین شهرستان مشغول انجام وظیفه است که از رفاه کمتری بهره وراست و وجو دارد دهی که از مرکز شهرستان در حدود دویست کیلومتر فاصله دارد و حتی در یک شهرستان دو منطقه کاملاً سردسیری و گرمسیری دیده میشود که مأمورین این دو نقطه متفاوت از یک گونه مزایا استفاده مینمایند پیشنهاد میشود همانطور که مزایای شغلی در شهرستانهای مختلف متفاوت است مزایای شغلی نقاط مختلف یک شهرستان به نسبت موقعیت منطقه محاسبه شود و از این نظر تقسیم بندی خاصی انجام بشود نکته دیگری که بنظر رسید اینست که امروز روستائی بودن امتیاز انگیز است (صحیح است) و پوآن آفرین و کیل ادعا میکند من از قلب روستا آمده ام وزیر جزء افتخاراتش تولد در یک روستا مثل ده خوارقان را ذکر میکند امیر ارتش، استاد دانشگاه همینگونه، خلاصه بسیاری از مسؤلین مملکت که باری از کارهای مملکت را بدوش میکشند منجمله خود من همه در این ادعا بنده بسیار هم خوبست تحصیل و فعالیت و خدمت در این مملکت برای همه آزاد است (صحیح است) ولی همه مان در شهر زندگی میکنیم و اکثراً هم در مرکز مملکت، پس از مهاجرت روستائیان ترسیم و روستائی را از شهری جدا نسازیم و نخواهیم که جلوه مهاجرت روستائیان را بگیرند بلکه کاری کنیم که فاصله شهر و روستا ازین برود زندگی بهتر برای همه بوجود بیاید از مرکز کار جلوگیری نمائیم اینجا مشاهده شد که یک نفر از آقایان وزراء اعلام کردند ادارات تهران را بشهرستانها میفرستیم و در مرکز، مرکز کوچکی خواهیم داشت که فقط کار ستادی انجام میدهد چه خوب این بهترین راه حل جلوگیری از کوچ روستائیان بشهر است وجه بهتر که اینکار را تعمیم دهیم بجای اینکه روستائی بشهر بیاید شهری بروستا برود وقتی خدمات گسترده شد و بروستا رفت آنگاه دیگر لازم نیست روستائی را از شهری جدا سازیم و حصار دور آن بوجود بیاوریم این قضیه خود بخود حل خواهد شد. در پایان که دوبادداشت برای من رسیده که اولی شاید خطاب بمن نباشد، اینطور نوشته «متأسفانه یا خوشبختانه اسال برنی نبارید، من رسول یا قاصد این کار (یک نفر از نمایندگان - اینکه شعر نوست) یادداشت دیگری که یکی از دوستان برای من فرستاده با تمام صداقتی که در رسالت به خرج میدهم یک قسمتش را نمیخوانم اینطور نوشته چند روز قبل بچه های دلچن فرورفت و ازین رفت چه خوب بود که لجن ها را از جوی ها پاک میکردند و در خاتمه بار دیگر مراتب سپاس و ستایش بیکران همه ملت ایران را به

پیشگاه رهبران دانشمندان تقدیم میدارم و از دولت خدمتگزار جناب هویدا تشکر میکنم زیرا بجزی خوبی برای نیاب تابناک رهبر خردمندان هستند (احسنت - احسنت).

رئیس - آقای ابطعی فلهائی بنرمائید.

ابطعی فلهائی - جناب آقای رئیس - همکاران ارجمند قبلاً باید عرض برسانم که من بعنوان موافق با لایحه بودجه صحبت میکنم و اعتقاد راسخ دارم که دولت جناب آقای هویدا تحت توجهات عالی و رهبریهای داهیانه و ارشاد شاهنشاه آریامهر خدمات ارزنده ای انجام داده است که نتایج آن در کلیه شئون اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور کاملاً مشهود است (صحیح است). ولی از آنجائی که در یافته ام جناب آقای هویدا به یاد آورین و تذکرات سازنده توجه کامل مبذول میفرمایند با تقاضای تخصصی که در رابطه با کشاورزی دارم و علاوه بر اینکه روستائی هستم بدهات زیادی نیز مسافرت کرده ام و مدت شانزده سال دزوزارتخانه های کشاورزی - اصلاحات ارضی تعاون و امور روستا خدمت کرده ام و مطالعاتی در خصوص جامعه روستائی دارم لازم و ضرور میدانم مطالبی پیرامون امور کشاورزی و عمران و نو سازی روستاها یاد آور و متذکر شوم (احسنت) ..

آنچه در گزارش جناب آقای نخست وزیر ضمن تقدیم لایحه بودجه بمجلس شورای ملی نظرم را جلب نمود ارقامی است که در بودجه سال ۱۳۵۵ برای امور اجتماعی و امور اقتصادی منظور و ملحوظ گردیده است.

اختصاص رقم سیصدونود و هفت میلیارد و چهارصد و نود و شش میلیون ریال بامور اجتماعی که در رأس آن آموزش و پرورش قرار گرفته حائز کمال اهمیت است و میرساند که دولت در بودجه سال ۱۳۵۵ بعد از امور دفاعی بامر آموزش و پرورش توجه خاصی مبذول داشته است (احسنت) همچنین اختصاص رقم پانصد و هفتاد و نه میلیارد و یکصد و یازده میلیون ریال بامور اقتصادی که نسبت بسالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ افزایش قابل ملاحظه ای را نشان میدهد شایان دقت و توجه است.

ایجاد ۱۴۵ حوزه عمرانی که حدود ۱۵۰ روستا را دربر میگیرد از جمله برنامه های اوسعی است که در گونیهای بسیاری را در دهات حوزه های عمرانی فراهم خواهد کرد. ضمن قبول این مطلب که کلیه امور پیش بینی شده در لایحه بودجه سال ۱۳۵۵ لازم و ضروری است با انتقال

توجه بعمران و نو سازی روستاها و امور کشاورزی بیشتر احساس میشود.

در مورد کشاورزی و دامپروری باید عرض برسانم چون کشور ما دارای اراضی وسیع زراعتی و در اکثر نقاط آب فراوان و مراتع غنی میباشد بایستی حداکثر استفاده را از آنچه داریم بکنیم (یک نفر از نمایندگان - میفرمائید آب در ایران فراوان است؟) بنظر من در امر دامپروری و دامداری شایسته است بکلیه افرادی که بکشاورزی و دامپروری اشتغال دارند وامهای طولی مدت با بهره عادلانه بدون اخذ وثیقه اعطا شود تا قادر باشند با علاقمندی و دلگرمی کار کنند و در نتیجه محصولات مرغوب و فراوان بازار عرضه نمایند. تشویق و ارشاد این قبیل افراد کمک فراوانی بکشاورزی و دامپروری مملکت میکند زیرا آنان خود دارای تجربیاتی هستند که هرگاه بانظارت و ارشاد کارشناسان و متخصصین بصیر و مطلع توأم شود راندمان بیشتری خواهد داشت از طرفی توسعه و گسترش شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید بجزی که وزارت تعاون و امور روستاها بتواند برنامه های وسیع و همه جانبه خود را در این شرکتهای بنحوشایسته و مطلوب که همه اکنون در این شرکتهای با اعمال مدیریت صحیح سازی و جاری است پیاده کند سطح تولیدات کشاورزی بهیمن قابل توجهی افزایش خواهد یافت. (صحیح است) ضمناً همانقدر که کشور ما بظرف صنعتی شدن گام برمیدارد و رشد مییابد همین طور هم باید کشاورزی کشور بجائی برسد که قادر باشد از صنعت مملکت حمایت کند زیرا صنعت و کشاورزی لازم و ملزوم یکدیگرند.

بدون شک عامل اساسی که میتواند به بازگانی شدن تولیدات و فرآورده های کشاورزی کمک کند همکاری صنعت و کشاورزی است.

علیهذا با توجه بانچه گفته شد لزوم اتخاذ یک سیاست همه جانبه برای کشاورزی کشور روز بروز بیشتر احساس میشود و با امکانات وسیعی که در کشور برای تولید انواع محصولات کشاورزی و پرورش دام وجود دارد باید در این زمینه سیاست ثابت و تضمین شده ای جهت فرآورده های کشاورزی هر منطقه از مناطق مختلف کشور تعیین نمود و این موضوعی است که مورد توجه خاص شاهنشاه آریامهر رهبر عالیقدر ملت ایران است.

باید توجه داشته باشیم که صنعت سالم را یک کشاورزی سالم بایستی حمایت کند و چون میخواهیم صنعتی سالم داشته باشیم پس نیازمند یک کشاورزی سالم نیز خواهیم بود (یک نفر از نمایندگان - کشاورزی

حمایت شده باید داشته باشیم) برای اینکه بتوانیم کشاورزی سالمی داشته باشیم اعتماد من بر اینست که در بعضی از مناطق که امکان ایجاد فنیهای وسیع کشاورزی مکانیزه وجود دارد این قطبها را توسعه و گسترش دهیم بدینوسیله در بعضی از مناطق کشور بواسطه شرایط خاص اقلیمی و سنتهای محلی بهتر است کشاورزی مکانیزه را نسواً با کشاورزی سنتی بسط و توسعه دهیم. من اطمینان دارم چنانچه در سالهای آینده با زعم باسور کشاورزی توجه بشود که مسلماً خواهد بود سطح تولیدات کشاورزی و دامی آن چنان افزایش خواهد یافت که بمرز خود کفایتی برسیم. در مورد عمران و نوسازی روستاها - باید عرض برسانم که در کشور ما نزدیک به نیمی از روستا وجود دارد. طبیعی است که تأمین خدمات و نیازمندیهای روستاییان در این تعداد روستا کار ساده‌ای نیست و باید قبول کنیم که دولت و وزارتخانه‌های مسئول در این مورد نهایت تلاش و وسعای را بعمل داشته‌اند: دلیل این مدعا، تشکیل شرکتیهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید و حوزه عمرانی، ایجاد خانه‌های فرهنگ روستائی - شرکتیهای تعاونی روستائی، تأسیس مدارس و درمانگاه است. بنظر من آنچه برای روستاها در درجه اول اهمیت قرار دارد احداث راههای فرعی و راههای روستائی است که اقدام در مورد راههای فرعی از وظایف وزارت راه و ترابری و در مورد راههای روستائی از جمله وظایف وزارت تعاون و امور روستاها است. لذا پیشنهاد مینمایم که باین موضوع یعنی احداث راه بین بخشها از یکطرف و احداث راه بین روستاها بطوری که روستاها با بخشها و بخشها با شهرها ارتباط پیدا کنند توجه بیشتر مبذول نگردد. باید قبول کنیم اگر بخشها و روستاهای مارا نداشته باشند تأمین خدمات برای روستائیان مشکل بنظر میرسد. ده باید راه داشته باشد تا روستائی بتواند فرآوردهها و محصولات کشاورزی و دامی خود را بیازار برساند. ده باید راه داشته باشد تا مأمور دولت بتواند در آنجا با راحتی و آسایش خاطر انجام وظیفه نماید. مسئله دیگری که در مورد راههای روستائی مهم و قابل توجه است نگهداری و حفظ این راههاست. بنا بر این پیشنهاد مینمایم برای اینکه این راهها که با صرف هزینه و زحمات زیاد احداث شده در اثر عوامل طبیعی از بین نرود اعتبار بیشتری باین امر اختصاص داده شود. در زمینه تولید نیروی برق واحداث سد بنظورتأسیس آب برای کشاورزی و وزارت نیرو و انرژی خدمات شایسته‌ای

انجام داده است و من امیدوارم که این وزارتخانه در سال آینده وسایلهای آبی گامهای مؤثرتری در این راه بردارد. در مورد وزارت تعاون و امور روستاها باید عرض برسانم که این وزارتخانه یکی از وزارتخانه‌های جدید و جوان کشور است که با توجه به برنامه‌های وسیع و همه جانبه‌ای که این وزارتخانه در سطح روستاها بعهده دارد باید قبول کنیم که گامهای مفید و مؤثری جهت عمران و آبادی روستاها برداشته است. تشکیل شرکتیهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید یکی از برنامه‌های عظیم این وزارتخانه است که با اعمال مدیریت صحیح و انجام خدمات صادقانه از هر حیث موفق بوده است. من پیشنهاد دارم. این پیشنهاد مربوط به بیمه محصولات و فرآورده‌های کشاورزی است. بیمه محصولات کشاورزی زارعین در مقابل حوادث ناشی از آفات سماوی و ارضی است که مسئله‌ای بسیار مهم و اساسی است. من نظر جنابان آقایان وزراء کشاورزی و منابع طبیعی و تعاون و امور روستاها را باین مسئله که برای کشاورزان مملکت جنبه حیاتی دارد جلب و استدعای عطف توجه دارم. (صحیح است) امور دفاعی

در مورد امور دفاعی از اینکه دولت باین امر مهم توجه خاصی معمول داشته بشکر کنم زیرا در دنیائی که همه کشورها از غنی و فقیر، از کوچک و بزرگ غرق در اسلحه شده‌اند از تنش دلیر ایران بفرماندهی شاهنشاه آریامهر باید آنچنان قوی و قدرتمند باشند که مثل همیشه و حتی بیشتر از گذشته از استقلال و تمامیت ارضی کشور و نظام شاهنشاهی ایران که میراث ۲۵۰۰ سال تاریخ مدون شاهنشاهی ایران است دفاع نماید. (احسن)

۳- تعیین دستور و موقع جلسه آینده - ختم جلسه

رئیس - به اطلاع همکاران محترم میرسانم ۲۳ نفر از خانها و آقایانی که برای صحبت در بودجه شب در مجلس مانده بودند بعد از آنکه همگی صحبت کردند البته چند نفر دیگر هم تقاضای صحبت کرده‌اند ولی با توجه به پیشنهادی که با مضای عده زیادی از همکاران محترم رسیده و بنده اسامی آنها را قرائت میکنم:

آقایان: شادمان - وکیل گیلانی - آزمون - عباس میرزائی - محمودیان - خانم عدیلی - هرزندی - هاشمی - فرهنگ - نورعلی شهبانی - منوچهر پزشکی - محمد انجمنی - معززی - خانم بابان - پروفسور یغمائی - فرمان - کاسمی - محمد حسین غضنفری - علی اوسط یگانه - کیوان - دکتر فروزین - خانم مشائی -

منظر جندقی - محمد پارسی - محمد آسادی - کریم آصف - جوکار - دکتر استفیاری - دکتر رحمانی - قاسم زاده - نوری - سواد کوهی.

کفایت مذاکرات را پیشنهاد کرده‌اند (نمایندگان صحیح است) و چنانکه ملاحظه میفرمائید اکثر آنها تیکه داوطلب صحبت کردن بودند این پیشنهاد را امضاء کرده‌اند اگر مخالفی نیست رأی میگیریم به کفایت مذاکرات خانها و آقایان تیکه باین پیشنهاد موافقت خواهش می‌کنم قیام بفرمائید (کلیه نمایندگان برخاستند) باتفاق آراء تصویب شد. باید خدمت خانها و آقایان عرض کنم خوشبختانه در این هشت جلسه‌ای که داشتیم خانها و آقایان راجع

بمسائل مورد علاقه خود به تفصیل صحبت کردند امیدوارم دولت هم تذکرها تیکه داده شد یادداشت کرده باشد و با توجه باین مطالب بتواند رضایت فرد نمایندگان محترم را جلب کند (احسن) با اجازه خانها و آقایان این جلسه را ختم میکنیم و چون فردا جمعه است و شبه نیز مصادف با روز اربعین است برای تشکیل جلسه مناسب نیست دنباله بحث در بودجه کل کشور به ساعت ۹ صبح روز یکشنبه هفته آینده موکول میگردد.

(جلسه ساعت شش و چهل دقیقه بعد از ظهر ختم گردید)

رئیس مجلس شورای ملی - **عبدالله ریاضی**